عکاس: وحید سرابی | فرهیختگان

معاون تحقیقات، فناوری و نوآوری دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

ترس از قالب‌شکنی، مانع تحول دانشگاه‌ها

ابوالفضل مظاهری - زهرا رمضانی
گروه دانشگاه

تغییر نسل و تحول دانشگاه‌ها یکی از چالش‌های روز فضای آموزش عالی کشور است. دانشگاه‌ها پس از سپری کردن عصر آموزش‌محوری و پژوهش‌محوری حالا برای تداوم ایفای نقش موثر در فضای جامعه لاجرم باید به تغییر و تحول تن دهند؛ اتفاقی که در ضرورت رسیدن به آن شکی نیست، اما در فرآیند اجرا با دشواری‌های بسیاری مواجه می‌شود.

ایام هفته پژوهش بهانه‌ای شد تا در گفت‌وگو با روح‌الله دهقانی‌فیروزآبادی، معاون تحقیقات، فناوری و نوآوری دانشگاه آزاد اسلامی ضرورت و چگونگی تحول دانشگاه‌ها و آغاز دوره جدید حیات دانشگاه در ایران را بررسی کنیم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

* * *

تحول‌های اساسی، نسل‌های جدید دانشگاه‌ها را رقم زدند

امروزه صحبت از نسل‌های مختلف دانشگاه‌ها مطرح می‌شود. دلیل و چرایی تحولات ساختاری مراکز آموزشی در برهه‌های مختلف چیست؟

در دنیا ساختار و برنامه‌های دانشگاه‌ها را با توجه به تحولات جدی‌ای که در آن رخ می‌دهد، دنبال می‌کنند؛ چراکه دانشگاه جایی است که مبدا تحول به شمار می‌رود و طبیعتا چنین جایی باید در وهله اول خود منشأ تحول باشد. قاعده بر این است که وقتی یک تحول اساسی رخ می‌دهد، آن تحول به عنوان یک نسل جدید محسوب می‌شود. به همین دلیل کلیدواژه نسل اول، نسل دوم و... دانشگاه‌ها از این حیث معنا پیدا می‌کند. دانشگاه همیشه باید تحول پیدا کند و امروزه در دنیا ما از پنج نسل دانشگاه صحبت می‌کنیم؛ دانشگاه نسل اول، نسل دوم، نسل سوم، نسل چهارم و دانشگاه نسل پنج. با توجه به این مساله باید در وهله اول مشخص شود که وقتی می‌گوییم نسل چندم دانشگاه منظورمان چیست؟ بنابراین وقتی یک ناظر بیرونی به معنای واقعی یک تحول جدی و یک انقلاب در یک نظام را احساس نکند، هرچند که به او بگوییم الان نسل سه یا چهار است، تصور می‌کند درحال دروغ گفتن هستید.

نگاه کنید در خودرو می‌گوییم خودروی نسل اول یا نسل دوم، در خودروی نسل یک نگاه می‌کنیم که به تدریج تغییرات تکنولوژی اتفاق می‌افتد. حال اگر به خودرویی که متعلق به ۶۰ سال پیش است، بگوییم این خودروی نسل پنج است، کسی باور نمی‌کند؛ در اصل اینکه بگوییم یا بنویسم فلان خودروی نسل پنج است، آن خودرو نسل پنج نمی‌شود، از این‌رو ملاک جدی این است که باید نگاه کرد که دانشگاه کشورمان در طول ۴۰ سال گذشته چندبار دچار تحول جدی شده و به همان تعداد می‌گوییم تحول نسلی رخ داده و با توجه به این مقوله می‌توانیم بگوییم دانشگاه ما در چه نسلی سیر می‌کند.

بحث دیگر این است که تعبیر ما از نسل‌های دانشگاهی چیست؟، البته نسل اول، دوم، سوم و چهارم دانشگاه، جزء تعاریف جهانی محسوب می‌شود، اما ما تعریف دیگری هم داریم که به آن اعتقاد بیشتری داریم و آن هم بحث دانشگاه اسلامی است، بنده این تحولات را در دانشگاه اسلامی می‌بینم و معنایی که در این نوع دانشگاه می‌بینم، یکی از بخش‌هایش همان تحول ساختاری است که در دنیا به آن نسل‌های مختلف دانشگاه می‌گویند. ما به دنبال آن نیستیم که به دانشگاه نسل سوم یا چهارمی تبدیل شویم که غربی‌ها مدنظر دارند؛ چراکه ما بوم، آداب، فرهنگ و شرایط سرزمینی خودمان را داریم و طبیعتا تغییر نسل هم می‌دهیم، اما هدف گذاریمان این است که دانشگاه اسلامی شویم.

تغییر نسل دانشگاه‌ها یکی از راهبردهای حرکت به سمت دانشگاه اسلامی

نگاهی که شما به دانشگاه اسلامی دارید، دارای همه مولفه‌های برجسته دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم است؟ آنچه در سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها آمده، ما را از نسل‌های مختلف دانشگاه‌های غربی بی‌نیاز می‌کند؟

واقعیت این است که بنده سند دانشگاه‌های اسلامی را سند کاملی نمی‌دانم، اما از طرف دیگر سند غیرمفید هم نمی‌دانم. اسناد بالادستی اهداف و چشم‌اندازها را مشخص می‌کند و اهدافی که در سند بالادستی دانشگاه اسلامی آمده، کاملا صحیح است، در این میان برخی راهکارها و راهبردها می‌ماند که همان‌ها مولفه‌های تغییردهنده نسل‌های دانشگاه‌هاست. به‌عبارت دیگر تغییر نسل دانشگاه‌ها از یک نسل به نسل دیگر، یکی از راهبردهای حرکت به سمت دانشگاه اسلامی است.

مفهومی که شما به دانشگاه اسلامی اطلاق می‌کنید، تعریفی جداگانه از سند اسلامی شدن دانشگاه‌هاست؟

بنده در تفسیری که دارم از سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها استفاده می‌کنم، اما چشم‌اندازهایش با این سند تفاوت‌هایی دارد.

به بحث تحول برگردیم؛ گفتید مبدا تحول باید منشا تحول باشد، بیشتر توضیح دهید.

در ابتدا باید به این سوال پاسخ داد که اصلا چرا دانشگاه‌ها باید دچار تحول شوند؟ بارها گفته‌ام هر سیستمی از سیستم ماشینی گرفته تا سازمان‌ها و... دارای یک هدفی بوده که برای رسیدن به آن باید یک‌سری اقدامات را انجام دهد، حال اگر کارهای محول‌شده را به درستی انجام دهد، می‌گوییم سیستم موفق عمل می‌کند اما در غیراین صورت می‌گوییم سیستم دارای ضعف است و باید اصلاح شود. دانشگاه، زیست‌بومی برای پرورش انسان بوده که توسط غربی‌ها طراحی شده است. به گفته امام خمینی(ره) دانشگاه، کارخانه انسان‌سازی است و ما به این مساله باور داریم. حال اگر دانشگاه انسان را برای انجام کارهای دیگر به درستی تربیت کند، می‌گوییم که دانشگاه به درستی عمل می‌کند.

دانشگاه‌ها در هر نسل فعالیت خود چه اهدافی را دنبال کردند؟ در کشور ما چگونه بوده است؟

در همه دنیا نسل اول دانشگاه‌ها، مراکزی بودند که می‌خواستند انسان باسواد سطح بالا تربیت کنند و درحقیقت تحصیلات دانشگاهی در آن نسل خود هدف محسوب می‌شد. مصرف کننده خروجی دانشگاه‌ها نیز بیشتر دولت‌ها و حاکمیت‌ها بوده‌اند و در همه دنیا هم این گونه بوده است. به عبارت دیگر این نسل از دانشگاه انسانی را تربیت می‌کرد که سطح سوادی بالاتر از دبستان و دبیرستان را به انسان آموزش می‌داد و در کشور ما نیز دانشگاه با همان نسل اول شروع به فعالیت می‌کند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام از رژیم پهلوی به جمهوری اسلامی ایران تغییر پیدا می‌کند و تعداد زیادی سازمان، نهاد و... ایجاد می‌شود که نیاز به حضور انسان‌های باسواد داشتند. با این حال در آن برهه تعداد کمی دانشگاه داشتیم اما نیاز زیادی به نیروی انسانی برای پر کردن ساختار حاکمیتی داشتیم که دانشگاه در این مرحله موفق عمل می‌کند و بسیاری از مدیران سطح بالای امروز کشور و بعضا بازنشستگان، محصول پرورش دانشگاه نسل اول هستند. طبیعتا این دانشگاه وظیفه‌اش صرفا برگزاری کلاس و آموزش به نیروی انسانی بوده و نتیجه هم این می‌شود که نگاه می‌کنیم در دهه ۶۰ کسی که در دانشگاه قبول می‌شود، هنوز دوره تحصیلش تمام نشده و می‌توانست در دستگاه‌ها استخدام شود.

کمی که جلوتر می‌رویم، تقریبا ساختار دیوانسالار حاکمیت پر می‌شود و در آن برهه برخی نیازهای بیرونی مطرح می‌شود که دیگر نیاز حاکمیت هم تغییر پیدا می‌کند و آن هم نیاز به پیشرفت است؛ چراکه دیگر در آن زمان جنگ تمام شده و حالا حوزه نفت، دفاعی، پتروشیمی، خودرو، کشاورزی و... از نظر حضور افراد تحصیلکرده، پر شده و حالا دیگر کشور نیاز به افرادی دارد که صرفا باسواد نباشند، بلکه بتوانند در حوزه تحقیق و پژوهش هم فعالیت کنند و درحقیقت نیاز به پژوهشگر احساس می‌شد. در مقابل دانشگاه هم احساس می‌کند نیاز به تغییر دارد و دیگر روند قبلی پاسخگوی نیازهای کشور نیست و در همین راستا تحولی در دانشگاه‌ها ایجاد می‌شود که همان ایجاد دوره‌های تحصیلات تکمیلی است. در واقع ما دیگر نیاز به تربیت محقق داشتیم و برای این کار آزمایشگاه و راه‌اندازی مقاطع تحصیلات تکمیلی و تولید رساله و پایان‌نامه لازم داشتیم که ساختارهای مربوط به آن در دانشگاه‌ها ایجاد شد و در اواخر دهه ۷۰ و ۸۰ به یک‌باره ساختار دانشگاه‌ها به سمت تحصیلات تکمیلی تغییر می‌کند. آن زمان اتفاقی که افتاد این بود که مردم احساس می‌کردند اگر صرفا کارشناسی بگیرند و به اصطلاح در دانشگاه‌های نسل اول تربیت شوند، دیگر نمی‌توانند آینده موفقی داشته باشند و به همین دلیل همه به سمت دوره‌های تحصیلات تکمیلی رفتند و البته جذب پژوهشگران نیز در ارگان‌های مختلف به خوبی انجام می‌شد و همین روند استخدامی افراد به توسعه دانشگاه‌های نسل دوم منجر شد.

دانشگاه آزاد اسلامی هم در چنین فضایی تاسیس شد.

بله. ایده دانشگاه آزاد اسلامی نیز برای همان توسعه دانشگاه‌های نسل اول و دوم بود. در زمان دانشگاه‌های نسل اول، فرصت‌های شغلی زیادی در کشور بود، اما در مقابل تعداد دانشگاه‌ها کم بود والبته دولت هم امکان هزینه کرد برای ساخت دانشگاه جدید را نداشت، به همین دلیل مردم حاضر بودند هزینه کنند تا بتوانند وارد دانشگاه شوند و موسسان دانشگاه آزاد اسلامی نیز این مقوله را به خوبی درک کردند و دانشگاهی مردمی ایجاد کردند تا خود مردم آن را بسازند و شهرداری‌ها، امام جمعه‌ها و... پای کار آمدند تا این اتفاق رخ دهد. دانشگاه آزاد اسلامی نیز دورانی را تجربه کرد که مردم از شدت اشتیاق حتی حضورشان را رزرو می‌کردند. در دوران نسل دوم دانشگاه آزاد اسلامی نیز تعداد بالایی پژوهشگاه، آزمایشگاه و... ساخته شد تا جایی که امروزه خوشبختانه یا متاسفانه هفت تا هشت برابر نیاز واقعی کشور، پژوهشگاه و آزمایشگاه داریم و اگر کسی مدرک دکتری یا کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه می‌گرفت، در عمل برای او بازار کار وجود داشت.

دانشگاه آزاد اسلامی خودش یکی از بالاترین مصرف کنندگان نیروی انسانی بود، به‌طوری که تعداد زیادی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی را برای اینکه بعدا عضو هیات علمی خود این دانشگاه شوند، بورس کرد تا از این طریق بتواند خود را گسترش دهد. آن زمان تصور نمی‌شد ممکن است در یک برهه‌ای بازار فرصت شغلی این افراد تمام شود، درحالی که امروزه یکی از مشکلات دانشگاه تهران همین است که با هیات‌علمی مازاد روبه‌رو است، اما آن زمان افراد با تفکر اینکه می‌خواهیم دانشگاه‌ها را توسعه دهیم، بورس می‌کردند و اصلا نگاهی به نسل‌های بعدی دانشگاهی وجود نداشت. افراد تصمیم‌گیر در این زمینه افق بلندی نداشتند و تصورشان این بود که همین مسیر تداوم خواهد داشت.

خالی ماندن صندلی‌های دانشگاه تهران سیگنال مهمی صادر می‌کند

به مرحله توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی رسیدیم، موضوعی که اکنون یکی از چالش‌های آموزش عالی کشور قلمداد می‌شود.

روند توسعه تحصیلات تکمیلی تقریبا تا پایان دهه ۸۰ وضعیت خوبی داشت، اما در دهه و سده ۴۰۰ وضعیت به‌گونه‌ای است که اگر فردی مدرک PHD خود را از دانشگاه واقعا خوبی هم دریافت کرده و یک پژوهشگر واقعا باکیفیت هم باشد، اما دیگر بازار کاری برای او وجود ندارد، البته مشکل از سیستم و بازار نیست؛ چراکه سیستم به درستی کار خودش را انجام می‌دهد، اما اینکه فارغ‌التحصیل بهترین دانشگاه‌های کشور با کلی مقاله علمی، شغلی برای خود پیدا نمی‌کند، معنایش این است که حتی دانشگاه نسل دوم یا همان پژوهش‌محور دیگر خروجی مناسبی برای جامعه ندارد، حال چه برسد به دانشگاه‌هایی که صرفا اسم نسل دوم را به آنها چسبانده‌ایم. از این‌رو معتقدم در کشور ما دانشگاه نسل یک و دو را تجربه کرده‌ایم، در این میان دانشگاه‌های باکیفیت و بی‌کیفیت از هر دو نسل را هم داشته‌ایم، اما امروز می‌بینیم دانشگاه‌های پولی با کاهش استقبال روبه‌رو هستند، در حالی که قبلا مردم برای حضور در همین دانشگاه‌ها حاضر به فروش خودرو، منزل و... بودند تا بتوانند تحصیل در آنها را رزرو کنند، اما حالا تمایلی به آن ندارند و کار به جایی رسیده که شهریه‌ها اقساطی است و تخفیف‌های مختلفی هم شامل می‌شود، اما باز هم می‌بینیم افرادی که گوشی همراه‌شان قیمتی ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومانی دارد و هزینه تحصیل در مقطع کارشناسی بهترین واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی ۱۴ تا ۱۵ میلیون تومان است، باز میل به هزینه برای مدرک ندارند. این مهم نشان می‌دهد امروز مشکل مردم هزینه‌کرد نیست، بلکه برای تحصیل و گرفتن مدرک در حد ۱۵ میلیون تومان هم ارزش قائل نیستند. در دانشگاه‌های دولتی حتی دانشگاهی مانند تهران هم امروز صندلی برخی رشته‌هایش خالی از دانشجو مانده، این اتفاقات سیگنال مهمی را صادر می‌کند.

عده‌ای می‌گویند چون فارغ‌التحصیلان بی‌کیفیت هستند، بازار کار برای آنها وجود ندارد، اما می‌بینیم فارغ‌التحصیلان باکیفیت هم وضعیت مشابهی دارد، بنابراین مشکل از کیفیت فارغ‌التحصیلان نیست، درحالی که اگر واقعا مساله این بود می‌توانستیم فارغ‌التحصیلان باکیفیت تربیت کنیم، اما امروزه برخی دوستان به اشتباه این‌طور تصور می‌کنند که فارغ‌التحصیل دوره دوم دانشگاه‌ها بی‌کیفیت هستند و به همین دلیل نمی‌تواند در بازار کار حضور پیدا کنند، درحالی که اصلا این‌گونه نیست. درست است که کیفیت مساله مهمی به شمار می‌رود، اما امروزه این مساله، دغدغه اصلی نیست؛ چراکه پیش‌تر هم گفتم دیگر فارغ‌التحصیل با کیفیت هم نمی‌تواند شغل مناسب خود را پیدا کند. پیامی که از این اتفاق صادر می‌شود این است که سیستمی که پیش‌تر داشتیم، درست کار نمی‌کند و اصطلاحا محصول خروجی باکیفیت دانشگاه‌های نسل دوم هم دیگر به درد جامعه نمی‌خورد و امروز به تحول نیاز داریم. دیگر پژوهشکده‌ها و نهادهایی که نیاز به پژوهشگر داشته‌اند، اشباع شده و حتی مراکزی که هنوز جای نیروی انسانی دارند هم به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر با این سیستم نمی‌توانند کار را به جلو ببرد؛ چراکه کماکان باز افراد مستخدم تلقی می‌شوند، در این شرایط احساس می‌شود باید تغییری انجام دهیم. تغییر هم این است که دیگر دوره دیوانسالارها گذشته و حتی دوره موسسات بزرگ و مراکز تحقیقاتی و پژوهشکده‌ها هم گذشته و امروز دوره کسب‌وکارهای خصوصی بوده و آنچه بازار می‌طلبد متخصص بامهارت است. در اصل امروز از دانشگاه‌ها این انتظار می‌رود که فارغ‌التحصیلان مهارت صحبت، مذاکره کردن، آداب اجتماعی، کار تیمی، کسب‌وکار و... را داشته باشند. امروزه یک فارغ‌التحصیل دانشگاهی به یک شرکت خصوصی برود، اصلا برای آن شرکت مهم نیست که او فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی در یکی از شهرستان‌هاست یا دانشگاه شریف و حتی معدل او هم برای شرکت مهم نیست، بلکه مساله اصلی این است که این شخص به درد فعالیت در آن شرکت می‌خورد یا خیر. اصطلاحا امروز آنچه جامعه و بازار به آن نیاز دارد، انسان‌های مهارت‌محور، متخصص و کارآفرین است و دیگر کاری وجود ندارد که بخواهیم به افراد محول کنیم، اما نیاز به حضور چنین انسان‌هایی وجود دارد. به عبارت دیگر جامعه، انسان‌هایی را می‌خواهد که مشکلات را ببینند و خودشان کارآفرینی کنند و دیگر نه‌تنها مثل گذشته منتظر نباشند که کسی آنها را استخدام کند، بلکه خودشان شغل ایجاد کرده و حتی از ظرفیت افراد دیگر که حتی تحصیلات عالیه هم ندارند، استفاده کند.

معتقدم همین امروز که موضوعات مختلفی پیرامون شغل مطرح می‌شود، بازار کار برای افراد مختلف وجود دارد و به اعتقادم در همین شرایط امکان اشتغالزایی میلیونی هم فراهم است، اما اگر شغل برای افراد پیدا نمی‌شود، به دلیل این است که خروجی دانشگاه‌ها آنچه باید باشد، نیست. دانشگاه نسل سومی که دنیا به سمت آن حرکت کرده، دانشگاهی است که دیگر صرفا انسان‌ها را برای کارگری تربیت نمی‌کند، بلکه انسان را برای کارآفرینی تربیت می‌کند.

دانشگاه نسل سوم انسان راهبر تربیت می‌کند

مطالعات دنیا برای ایجاد دانشگاه‌های نسل سوم به حدود ۵۰ سال پیش برمی‌گردد، درست است که آن زمان انقلاب اسلامی تازه به پیروزی رسیده بود، اما انتظار می‌رفت در دهه ۷۰ که درحال ایجاد تحول در فضای آموزش عالی بود، چشم‌انداز روشن‌تری داشته باشیم، چرا نتوانستیم آینده آموزشی کشور را بهتر ترسیم کنیم؟

حرف شما را تایید می‌کنم. زمزمه‌های ایجاد دانشگاه‌های نسل سوم حدود ۴۰ یا ۵۰ سال پیش در دنیا مطرح شده بود و دانشگاه‌های پیش‌روی دنیا در چهار دهه پیش به‌سمت دانشگاه نسل سوم حرکت کردند، هرچند هنوز دانشگاه‌هایی در دنیا وجود دارد که تازه به‌سمت نسل سوم حرکت می‌کنند. اما تغییر در این حوزه به بحث سیاستگذاری برمی‌گردد و حوزه سیاستگذاری علم‌وفناوری، حوزه‌ای است که طی ۱۰ تا ۲۰ سال اخیر در کشور ما شکل گرفته، ازاین‌رو نمی‌توان چندان خرده گرفت، چراکه بالاخره ما کشوری هستیم که این مسیر را دیر شروع کرده‌ایم. به گفته مقام‌معظم‌رهبری، غربی‌ها ۱۰۰ سال پیش این حوزه را شروع کرده‌اند و نمی‌توان خیلی خرده گرفت که چرا زودتر به فکر حرکت به‌سمت دانشگاه‌های نسل سوم نیفتاده‌ایم، از سوی دیگر ما درگیر مباحث مختلف جامعه و همچنین جنگ، توسعه و... بوده‌ایم، البته کاش این مسیر را دنبال می‌کردیم. اما امروزه مساله اصلی این است که با اینکه می‌دانیم باید تغییر بدهیم، چرا مقاومت می‌کنیم؟

ما پذیرفته‌ایم که عقلا و منطقا دانشگاه به تحول اساسی نیاز دارد که ما اسم آن را دانشگاه نسل سوم می‌گذاریم و قرار است این تحول ما را به جایی برساند که ما فارغ‌التحصیل کارآفرین داشته باشیم. دانشگاه‌های نسل اول و دوم یک ویژگی مشترک داشتند و آن هم اینکه انسان تربیت کنند برای کارگری، اما دانشگاه‌های نسل سوم می‌گویند باید انسان‌هایی را تربیت کرد که خودشان راهبر باشند و در این نقطه علاوه‌بر تغییر نسل، شاهد یک تغییر

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴

پارادایم هم هستیم، چراکه تا امروز دانشگاه‌ها انسان تربیت می‌کردند برای دیگران، اما حالا قرار است انسان تربیت کنند، برای خودشان.

ترس از قالب‌شکنی و وفاداران سیستم مانع‌های تحول دانشگاه

صحبت از مقاومت در برابر تغییر نسل و تحول دانشگاه‌ها کردید. علت این رویکرد چیست؟

نگاه کنید وقتی یک منزل ۲۰ ساله دارید و می‌خواهید تغییری در آن انجام دهید، می‌گویید می‌خواهیم آن را بازسازی کنیم و کار چندان سختی هم نیست، چراکه چارچوب اصلی خانه تغییر نمی‌کند، اما یک زمانی هم هست که می‌خواهید یک خانه ۴۰ تا ۵۰ ساله را بازسازی کنید، آن زمان است که دیگر نمی‌توان این کار را کرد، چراکه نیاز به یک تحول اساسی دارد، در این شرایط کل ساختمان را تخریب می‌کنید و از ابتدا یک بنای دیگر می‌سازید. باورم این است که دانشگاه نسل اول مانند یک ساختمان نوساز بود که بعد از گذشت ۲۰ سال، شروع به بازسازی آن کردیم و اقداماتی مانند اضافه کردن آزمایشگاه و مقطع تحصیلات تکمیلی را انجام دادیم و از آنجا که فرم‌های دانشگاه تغییر پیدا نکرد، مقاومت چندانی هم برای حرکت به‌سمت دانشگاه نسل دوم انجام نگرفت، اما امروز چون باید از ابتدا بنای دانشگاه را ایجاد کرد، با دو مولفه روبه‌رو هستیم، اول ترس از قالب‌شکنی است، البته یکی از مشکلات انسان این است که وقتی برای مدتی در یک قالب مشخص کار می‌کند از اینکه بخواهد آن قالب را بشکند، می‌ترسد و مولفه دوم هم این است که اساتید در دانشگاه‌های نسل اول و دوم افراد جوانی بودند، اما امروزه با بدنه‌ای از همکاران مواجه هستیم که بدنه پیر دانشگاه محسوب می‌شوند و همگی هم دارای موقعیت هستند و کاملا به ساختار سنتی وفادارند، به همین دلیل ما با دو سد بزرگ روبه‌رو هستیم که اجازه نمی‌دهد خانه دانشگاه را تخریب کرده و از اول بسازیم.

مفاهیمی مانند شتاب‌دهنده، مراکز رشد، پارک‌های علم‌وفناوری و... دقیقا المان‌هایی هستند که در دانشگاه نسل سوم ایجاد شده‌اند. در اصل وقتی در دانشگاه نسل اول و دوم نگاه به خود افراد بود، حالا در دانشگاه نسل سوم نگاه کار تیمی است و مفهوم شتاب‌دهنده برای این طراحی شد که نقشی مانند مقطع لیسانس در دانشگاه نسل اول را برای نسل سوم بازی کند، یعنی تیم وارد آن شده و آموزش‌هایی را توسط مربی به افراد این تیم ارائه شود. نباید این مساله را فراموش کرد که استاد، در نسل اول و دوم تدریس می‌کند و می‌رود، اما مربی در دانشگاه نسل سوم با تیم زندگی می‌کند. خروجی دانشگاه نسل اول در دوره لیسانس نیز یک فرد فرهیخته بود اما در دانشگاه کارآفرین خروجی یک شتاب‌دهنده، گروه و هسته‌ای است که حول یک ایده فناورانه به وحدت رسیده است.

در دوره کارشناسی ارشد نیز افراد از طریق کنکور می‌توانند به تحصیل در این مقطع بپردازند، اما در دانشگاه نسل سوم، شتاب‌دهنده‌ها تیم‌هایی را که به هسته فناور تبدیل شده‌اند، وارد مراکز رشد می‌کنند، یعنی ساختار مراکز رشد، همان ساختار مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه نسل اول و دوم است، یعنی تیم نوپایی که حول یک فکر شکل گرفته، حالا باید بتواند برای خود سرتیم پیدا کرده و به مرکز رشد برود تا بتوانند از آن طریق به یک شرکت دانش‌بنیان تبدیل شود، یعنی تبدیل تیم‌ها به شرکت‌ها ماموریت مرکز رشد محسوب می‌شود، بعد از آن شرکت‌ها وارد پارک‌های علم‌وفناوری می‌شوند، در دانشگاه نسل اول و دوم زمانی که دانشجوی ما از مقطع دکتری فارغ‌التحصیل می‌شود، در بهترین حالت، استاد دانشگاه خواهد شد، اما در دانشگاه نسل سوم شرکت نوپایی که وارد پارک علم‌وفناوری شده، حالا از این پارک هم خارج شده و خود به‌عنوان یک تامین کننده و پشتیبانی کننده از هسته‌های فناوری تبدیل می‌شود، یعنی ساختارها در دانشگاه‌های نسل اول و دوم با نسل سوم تغییر می‌کند. مفهوم فبلت که همه‌جا مطرح شده، یک المانی است که در دانشگاه نسل سوم طراحی شده است، همان‌طور که آزمایشگاه تحقیقاتی در دانشگاه نسل دوم راه‌اندازی شده بود. یا کتابخانه مرکزی، مفهومی است که در دانشگاه نسل اول برای مقطع کارشناسی ایجاد شده بود. در اصل سالن مطالعه در دانشگاه نسل اول به فضای کار اشتراکی در دانشگاه نسل سوم تبدیل شده است. به‌عبارت دقیق‌تر تمام المان‌هایی که در دانشگاه نسل اول و دوم وجود داشتند در دانشگاه نسل سوم مابه‌ازای بیرونی دارد، اما کارکرد همه آنها متفاوت شده است.

ساختار وزارت علوم براساس نسل اول و دوم دانشگاه‌ها طراحی شده

با وجود شرایط چرا نسل سوم در دانشگاه‌ها حاکم نمی‌شود؟

مساله مهم در حرکت به‌سمت نسل سوم این است که نیاز به شجاعت دارد، حال سیستم وزارت علومی که کاملا براساس نسل اول و دوم دانشگاه‌ها طراحی و ساخته شده و همچنان در آن مسیر ادامه می‌دهد، به‌طوری که هنوز معاون آموزشی، مهم‌ترین معاون و بعد از آن معاون پژوهشی حضور دارد و بعد از آن اگر امکان داشته باشد، بحث کارآفرینی در وزارتخانه دنبال می‌شود، چه توقعی می‌توان از این ساختار داشت. امروزه کشور ما مشکلات زیادی دارد و به همین دلیل کسب‌وکارهای کارآفرینی به‌خوبی جواب می‌دهد، اما در دنیا چون جلوتر از ما هستند، حتی در برخی کشورها دیگر فرصتی برای کارآفرینی هم وجود ندارد و هر ایده‌ای که مطرح می‌شود، پیش‌تر توسط کسی مطرح شده بود. کتابی درباره استارتاپ‌هایی که در دنیا وجود دارد، اما هنوز در کشور ما ظهور و بروز پیدا نکرده، منتشر شده و کتاب قطور هم است و این نشان می‌دهد که چه تعداد استارتاپ هنوز در کشور ما راه‌اندازی نشده است. در برخی کشورها که فضای کارآفرینی هم اشباع شده، نگاه‌ها به‌سمت دانشگاه نسل چهارم است، یعنی معتقدند چرا باید انسان‌هایی را تربیت کنند که نیاز جامعه را حل کنند بلکه باید انسان‌هایی را تربیت کنند که اصلا برای جامعه تعریف هدف، نیاز و برنامه داشته باشند، یعنی دانشگاهی با تاثیرگذاری اجتماعی. به‌طور مثال در گذشته اصلا گوشی همراهی وجود نداشته، اما این احساس نیاز توسط فردی انجام شده و وظیفه دانشگاه نسل چهارم هم ایجاد همین احساس نیاز است.

رساله‌ها کلید تحول دانشگاه

کدام عناصر دانشگاه نقش مهم‌تری در تغییر و تحول ایفا خواهد کرد؟

معتقدم رساله می‌تواند سردمدار مطالبه‌گری این تحول و فرهنگ‌سازی برای آن باشد، مساله دیگر اینکه نسل جدید فارغ‌التحصیلان دانشگاه، نسبت به قدیمی‌ترها نیاز به تحول را بهتر احساس می‌کنند، چراکه یک استادتمام بازنشسته که ماهی ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان درآمد دارد، یک نگاه و استاد دیگری که تازه جذب شده و حقوق ۶ تا ۷ میلیون تومانی دارد، یک انگیزه دیگری دارد و باید این مساله را مدنظر قرار داد. همچنین یکی دیگر از بزرگ‌ترین اشتباهات تصمیم‌گیران ما این است که سخت‌افزار را می‌بینند، اما نرم‌افزار را خیر. نگاه کنید امروز پیشنهاددهندگان، پارک‌های علم‌وفناوری، شرکت‌های دانش‌بنیان و... زیادی داریم، بااین‌حال به معنی واقعی هنوز دانشگاه نسل سوم نداریم. البته باید این مهم را هم مدنظر قرار داد که وقتی دانشگاه نسل دوم آمد، دانشگاه نسل اول برچیده نشد و طبیعتا زمانی که دانشگاه نسل سوم هم ایجاد شود، دوره کارشناسی ارشد و دکتری حذف نخواهد شد. ما همه مولفه‌های دانشگاه نسل سوم را داریم، اما کار نمی‌کند، علتش هم این است که برای تحول یک ساختار در ابتدا باید المان‌های آن را داشته باشیم که این را در اختیار داریم، مرحله دوم این است که باید این المان‌ها را به‌درستی در سر جای خود چید و اگر این اتفاق نیفتد، به‌درستی کار نخواهد کرد. مرحله سوم هم این است که باید نرم‌افزار کاربری آن را داشته باشیم. به‌طور مثال وقتی می‌خواهیم کامپیوتری برای بازی کردن داشته باشیم، در ابتدا باید سخت‌افزار آن را خریداری کرد و همه قطعات را به‌درستی در جای خود مستقر کرد و درنهایت سیستم‌عامل آن را نصب کرد. این مساله را در دانشگاه تصور کنید، در یک دانشگاه همه المان‌ها مانند کلاس، آزمایشگاه، مرکز و... را مستقر کنیم، اما اگر برنامه آموزشی نداشته باشیم، کاری از پیش نمی‌رود. در دانشگاه نسل سوم هم بعد از استقرار المان‌ها، نیاز به نرم‌افزاری برای اجرای آن داریم. حال اگر تغییر کاربری دهیم، المان‌ها را به‌درستی مستقر کنیم، نرم‌افزار درستی هم نصب کنیم و در کنار همه آنها، کاربر صحیحی هم پشت نرم‌افزار بنشانیم، وضعیت درست می‌شود.

اوضاع و شرایط در دانشگاه آزاد اسلامی چگونه است؟

یکی از اقداماتی که در همین دانشگاه آزاد اسلامی دنبال می‌کنیم این است که بتوانیم کلیت فضا را به‌سمت نسل سوم ببریم و به شکل خاص‌تر هم برای برخی رشته‌ها مانند کشاورزی برنامه اجرایی داشته باشیم که البته برنامه‌ریزی‌های آن صورت گرفته و امروز طرح و برنامه نهایی آن آماده شده است، هرچند علی‌رغم وجود عزم و اراده، فشارهایی وجود دارد.

در داخل دانشگاه آزاد اسلامی فشارهایی برای عدم تغییر این کاربری وجود ندارد؟

طبیعتا این‌طور است اما تفاوت دانشگاه آزاد اسلامی در آن است که این‌گونه افراد می‌دانند اگر تحولی ایجاد نکنند، چند سال دیگر دانشگاه ورشکسته می‌شود. معتقدم اگر تحولی در کار باشد، شروع آن از دانشگاه دولتی نخواهد بود، بلکه از دانشگاه آزاد اسلامی است، چراکه دانشگاه دولتی هنوز درد را احساس نمی‌کند و همچنان بودجه‌اش را از دولت دریافت می‌کند.

تا زمان وابستگی دانشگاه‌ها به بودجه، نسل سوم در حد چاپ مقاله خواهد ماند

به نظر می‌رسد یکی از مولفه‌های رسیدن به دانشگاه نسل سوم قطع وابستگی بودجه‌ای دانشگاه‌های دولتی به بودجه نفت خواهد بود.

قطعا همین‌طور است، چراکه اگر این اتفاق بیفتد دانشگاه خودش کارآفرین تربیت می‌کند. تا زمانی که دانشگاهی بودجه دولتی دارد، حرکت به‌سمت دانشگاه نسل سوم در حد چاپ مقاله و... خواهد بود، اما در دانشگاه آزاد اسلامی که حیات آن با مشتری می‌چرخد، این تغییر یک ضرورت است نه یک توصیه. یعنی اگر دانشگاه آزاد اسلامی ظرف ۳ و ۴ سال آینده به معنی واقعی به دانشگاه نسل سوم و کارآفرین تبدیل نشود، از بین خواهد رفت، اما اگر این تغییر محقق شود، مردم به این نتیجه می‌رسند که فرزندان‌شان را به دانشگاهی می‌فرستند و اکوسیستمی در آن جاری است که می‌تواند آینده شغلی فرزندان‌شان را تامین کند و طبیعتا حاضرند ۳ برابر هزینه کنند تا فرزندان‌شان در چنین دانشگاهی تحصیل کنند. نگاه کنید امروزه شهریه‌های مدارس غیرانتفاعی در تهران ۳ تا ۴ برابر شهریه دانشگاه آزاد است و قطعا خانواده‌ای که چنین هزینه‌ای را می‌کند، می‌تواند برای تحصیل فرزندش در دانشگاهی که آینده شغلی فارغ‌التحصیلان را گارانتی می‌کند، هزینه کند.

در فرآیند تغییر دانشگاه به نسل سوم، دانشگاه آزاد اسلامی در کدام مرحله قرار دارد؟

حدود یک سال و پنج ماه است که در دانشگاه آزاد اسلامی حضور دارم و در این مدت ۳ کار عمده انجام دادیم. اولین کار هم ساختارسازی بود تا بدانیم برای این تحول چه نیازهایی لازم داریم. در ابتدا فضای چابکی را ایجاد کردیم که ابزار کار باشد، به‌طوری که امروز معاونت تحقیقات و فناوری این دانشگاه تنها ۲۰ نفر نیرو دارد. از طرف دیگر امروز تنها ۴ آیین‌نامه در این معاونت داریم، اول آیین‌نامه جامعه–بازار فناوری و سرای نوآوری، آیین‌نامه مدیریت و خصوصی‌سازی آزمایشگاه و کارگاه‌ها، آیین‌نامه ارتباط با صنعت و آخرین هم آیین‌نامه ترفیع اساتید و حمایت از فعالیت‌های فناورانه اعضای هیات‌علمی. از سوی دیگر ۶ ماهه دوم حضورمان را بر حوزه فرهنگ‌سازی متمرکز شدیم و تلاش کردیم در اکثر استان‌های کشور حضور پیدا کرده و بتوانیم فرهنگ این تغییر را نهادینه کنیم. امروز واحدی در دانشگاه آزاد اسلامی وجود ندارد که در آن حضور پیدا کنید و کسی حرف از فناوری نزند، درحالی که در طول یک سال و نیم گذشته چنین فضایی وجود نداشت. در ۶ ماهه سوم که درحال حاضر داخلش هستیم، اجرای پایلوت طرح‌ها را داشتیم، به‌طوری که درحال راه‌اندازی تقریبا ۳۰ سرای نوآوری هستیم، البته از ایجاد تا نتیجه‌دهی این سراها ممکن است ۲ یا ۳ سال زمان لازم باشد، اما درحال پایلوت کردن این سراها هستیم تا نوبت به نوبت مسائل‌شان را حل کنیم. برای ۶ ماهه بعدی نیز برنامه‌مان نگهداشت است، یعنی می‌خواهیم همین سراها را نگه داشته، توسعه داده و مشکلات‌شان را حل کنیم و به نظر می‌رسد که اگر ۲ سال درنظرگرفته، تمام شود، این چرخه کامل می‌شود. معتقدم نباید برای مردم تکلیف تعیین کنیم، بلکه باید به آنها یک الگو نشان داد و مابقی کارها را خودشان انجام می‌دهند، ازاین‌رو اگر بتوانیم از ۳۰ سرای مدنظر، چرخه ۱۰ سرا را هم کامل کرده و به ثروت برسیم، کار نتیجه داده است. در اصفهان امسال توانستیم دانشجویان را بورس صنعت کنیم، همچنین پیش‌بینی‌مان از طرح بذر این استان، درآمدهای چند میلیاردی است.

ما سیاست‌هایمان را به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده‌ایم و خواهیم کرد که نیازی به اعمال آنها نباشد، بلکه تنها یک الگو به مردم نشان دهید و بعد از آن خودشان به دنبال مسیر بروند. اعتقادم این است که خصوصی‌سازی به معنی واقعی، یعنی یک نمونه را به مردم نشان بده و جاده را هموار کن، بعد از آن دیگر ادامه نده، چراکه مردم به بهترین نحو کار را دنبال می‌کنند. اگر مسیر را به هیات‌علمی و واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی نشان دهیم و بتوانیم یک نمونه موفق را به آنها معرفی کنیم، دیگر خودشان به بهترین شکل کارها را انجام می‌دهند.

لزوم اعمال نگاه فناورانه در بازنگری نقشه جامع علمی

ما یک نقشه جامع علمی داریم که قرار است فعالیت‌های علمی کشور را جهت‌دهی کند، آنچه در این نقشه آمده و امروز اجرایی می‌شود، با مفهوم دانشگاه نسل سوم و چهارم تناسب دارد؟

نظر شخصی‌ام این است که حداکثر تناسب این نقشه با فعالیت‌ها ۵۰درصد است و نیازمند یک بازنگری است و البته ویژگی نقشه هم همین بازنگری است. باید در بازنگری آن با نگاه فناورانه به نقشه جامع علمی کشور نگاه شود و معتقدم می‌توان یک نقشه جامع علمی و یک نقشه جامع فناوری داشت و درست هم این است که این دو نقشه باید با یکدیگر تفاوت داشته باشد و ما نیاز به به‌روزرسانی کاملا جدی و با نگرش‌های جدیدتر و به‌روزتر در این نقشه داریم. واقعیت این است که سنگ‌بنایی که رهبری گذاشتند، می‌توانست بسیار تاثیرگذار باشد.

علت عدم تاثیرگذاری نقشه جامع علمی کشور چیست؟

تحلیلم دو مولفه است که با مثال می‌گویم. وقتی پیراهنی به یک فردی نمی‌آید، دو دلیل دارد، اول اینکه پیراهن به‌درستی دوخته نشده است، یعنی اگر نقشه جامع علمی کشور نقشه بارزی باشد، می‌تواند افراد را در جایگاه درست قرار دهد، به‌عبارت دیگر نباید افراد را عوض کرد بلکه باید افراد را جابه‌جا کرد و مولفه اصلی این است که نقشه عملیاتی و کاربردی و ناظر بر صحنه علم‌وفناوری کشور باشد و نقشه‌ای که لزوما توسط دانشمند و سیاستگذار تدوین شود، در حوزه عمل ممکن است اصلا پذیرفته نشود.

شورای‌عالی انقلاب فرهنگی نیاز به تحول جوان‌گرایانه دارد

به اعتقاد شما امروز حس پذیرش نسبت به نقشه جامعه علمی کشور وجود ندارد؟

نگاه کنید وقتی یک جنسی را می‌خرید و می‌خواهید وارد بازار کنید، اما هیچ‌کس حاضر به خرید از شما نمی‌شود، بخشی از مساله هم متوجه شماست. بخش دوم ماجرا این است که نقشه جامع علمی کشور باید همه حمایت‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و... را جذب کند، نه اینکه صرفا یک نقشه‌ای داشته باشیم و بگوییم براساس آن عمل کنید، این‌گونه کار پیش نمی‌رود. به‌عبارت دیگر نه‌تنها باید پیراهن به‌درستی دوخته شود، بلکه باید پوشیدن آن هم یک ضرورت باشد، اما وقتی چه آن لباس را بپوشیم و چه نپوشیم اتفاقی نمی‌افتد، در عمل اتفاقی نمی‌افتد. یعنی اگر بتوانیم همه زندگی فعالان این حوزه را به نقشه گره بزنیم، مشکلات حل خواهد شد. نقشه جامع علمی کشور به‌خاطر بلندنگری رهبری بود اما از دولت‌ها انتظار می‌رود که آن را محقق کنند. شورای‌عالی انقلاب فرهنگی خود نیاز به تحول دارد و از رهبری خواهش می‌کنم همان‌طور که در برخی حوزه‌ها تحولات جوان‌گرایانه جدی ایجاد کردند، در شورا هم همین کار را بکنند، چراکه این شورا نیاز به تحول جدی جوان‌گرایانه دارد.

متاسفانه سیستم‌های کشور بیش از حد وابسته به اشخاص است

منظور از تحول جوان‌گرایانه در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی این است که افراد تغییر یابند یا صرفا ساختار شورا دچار تحول شود؟

معتقدم هر ماشینی با هر ساختاری وقتی یک راننده خوب پشت فرمان آن قرار بگیرد، ماشین را به‌خوبی حرکت می‌دهد، البته اگر لازم شد راننده می‌تواند ساختار ماشین را هم تغییر دهد. شورای‌عالی انقلاب فرهنگی نهادی بوده که از ابتدای انقلاب در برهه‌هایی بالاترین سطح تاثیرگذاری را داشته، اما امروز از آن هیچ نمانده و حتی خبر امیدبخش و خوشحال‌کننده‌ای هم منتشر نمی‌شود. به نظرم شورای‌عالی انقلاب فرهنگی خودش نیازمند تحول است. شورایی که قرار است نقشش انقلاب و تحول در آموزش کشور باشد، در درونش نباید تحول اصل قرار بگیرد؟ از رهبری خواهش می‌کنم که این شورا را زنده کنند، باید کاری کنیم که با رفت‌وآمد افراد سیاست‌ها تغییر نکند. نگاه کنید در آمریکا، ناسا سیاست‌هایش هوافضا را تعیین می‌کند و متاسفانه سیستم‌های کشور بیش از حد وابسته به اشخاص است و البته این مهم کمی ریشه فرهنگی هم دارد. حضرت علی(ع) می‌گوید دشمن در باطل خود مصمم‌تر از شما در حق است و این تزلزل در جبهه حق همیشه وجود داشته است.

بودجه معاونت علمی ظرف ۱۰ سال فقط ۲ برابر رشد داشت

سورنا ستاری درباره افزایش بودجه حوزه پژوهش در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ عنوان کرد: «بودجه معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری در بودجه سال آینده ۲۳ درصد افزایش داشته است.»

وی با اشاره به حضور خود در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اظهار کرد: «امیدواریم با نظر مساعد نمایندگان مجلس ارتقای بودجه در این حوزه محقق شود.»

ستاری در پاسخ به این سوال که معاونت علمی به چه میزان اعتبار برای پیشبرد اهداف خود در سال آینده نیازمند است، گفت: «با توجه به اینکه در بودجه اعداد مختلفی ازجمله ردیف اصلی معاونت و ردیف‌های ستادهای توسعه‌ای قید می‌شود، نمی‌توان عدد دقیقی درباره بودجه دقیق این حوزه گفت.»

معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری تصریح کرد: «با وجود اینکه اعتبارات معاونت علمی طی سال‌های اخیر افزایش چشمگیری نداشته، ولی ما توانسته‌ایم کمک‌های خوبی از صندوق توسعه با حمایت دولت و مجلس و موافقت مقام‌معظم‌رهبری دریافت کنیم و این بودجه‌ها در حوزه پژوهش کمک خوبی کرده است.»

وی اضافه کرد: «این درحالی است که بودجه معاونت علمی ریاست‌جمهوری طی ۱۰ سال گذشته فقط دوبرابر افزایش داشته است.»

اساتید وقت نمی‌گذارند، پایان‌نامه دانشجویان کپی می‌شود

علی آهون‌منش، رئیس اتحادیه دانشگاه‌های غیر انتفاعی کشور در گفت‌وگو با فارس با بیان اینکه باید براساس توانایی هریک از اعضای هیات‌علمی، دانشجوی تحصیلات تکمیلی دراختیار آنها قرار دهند، گفت: «یکی از مهم‌ترین عوامل رونق خرید و فروش مقالات و پایان‌نامه‌های دانشجویی عدم وقت‌گذاری اعضای هیات‌علمی دانشگاه‌ها برای مطالعه و بررسی مقالات دانشجویان است به‌طوری که هر پایان‌نامه با هر کیفیتی توسط اساتید مورد تایید قرار می‌گیرد.»

آهون‌منش افزود: «درحال حاضر بعضی دانشگاه‌ها تعداد دانشجویانی که به یک استاد در یک ترم تحصیلی می‌دهند بین ۱۷ تا ۲۵ نفر است که تمامی آنها باید به ارائه پایان‌نامه بپردازند. این درحالی است که در طول ۳ ترم تحصیلی تعداد دانشجویان هریک از اساتید بیش از توانایی اعضای هیات‌علمی است و نمی‌توانند تمامی پایان‌نامه‌ها را مورد بررسی قرارداده و زمان کافی برای مقالات بگذارند.»

رئیس اتحادیه دانشگاه‌های غیرانتفاعی کشور تصریح کرد: «برخی اساتید به‌خاطر شلوغی‌ای که در کار و فعالیت‌های علمی خود دارند مطالعه لازم را برای به‌روز شدن اطلاعات‌شان ندارند به‌طوری که موضوعات جدید را در پایان‌نامه‌ها نمی‌دانند.»

انجام ۴۰۰ پژوهش کاربردی حوزه کرونا در دانشگاه علوم‌پزشکی شهیدبهشتی

مدیر امور پژوهشی دانشگاه علوم‌پزشکی شهیدبهشتی از انجام بیش از ۴۰۰ پژوهش کاربردی مقابله با کرونا در این دانشگاه خبر داد و گفت: «بعد از چند ماه از گذشت اپیدمی، امروز کشور از نظر تشخیص این بیماری به مرز خودکفایی رسیده و بلافاصله می‌توان از ابتلا و میزان درگیری ویروس در کمترین زمان آگاه شد.»

مصطفی رضایی‌طاویرانی افزود: «هر پژوهشی زیربنای پژوهش بعدی است. بنابراین دسترسی به آخرین درمان‌ها و مهار انواع بیماری‌ها مرهون تلاش پژوهشگرانی است که بستر را برای کاربردی‌شدن تحقیقات فراهم کرده‌اند.»

رضایی با تاکید بر اینکه مهار کرونا با کمک پژوهشگران شدنی است، گفت: «کووید-۱۹ ویروسی نیست که در چند ماه بتوان جزئیات آن را مشخص و بیماری را مهار کرد.»

وی با اشاره به طرح‌های شاخص و تاثیرگذار در حوزه کرونا اظهار داشت: «شیوع و پایان هیچ بیماری به قطعیت مشخص نیست و به‌صورت مستمر زوایای تازه‌ای از ابعاد بیماری‌های مختلف به کمک پژوهش روشن می‌شود.»

وی با بیان اینکه هر پژوهشی زیربنای پژوهش بعدی است، از اجرای ۴۰۰ طرح پژوهشی و انعقاد بیش از ۳۰۰ قرارداد پژوهشی در دانشگاه علوم‌پزشکی شهیدبهشتی خبر داد.

رونمایی از ۸۸ طرح فناورانه در بیست‌ویکمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی

عبدالحسین رحیمی، معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در نشست خبری برگزاری نمایشگاه‌های هفته پژوهش افزود: «برگزاری این نمایشگاه‌ها نشان‌دهنده فعالیت مستمر جمهوری اسلامی ایران در حوزه علم و فناوری است. در این هفته ما کامیابی‌ها و توفیقات خود را در حوزه‌های پژوهش، فناوری و نوآوری مورد ارزیابی قرار می‌دهیم و درصورت وجود ضعف آن را برای سال‌های بعد مرتفع خواهیم کرد.»رحیمی بیان کرد: «در سامانه‌ای که برای هفته پژوهش پیاده‌سازی شده است، ۲۶۰۰ فناوری در آن بارگذاری شد که پس از داوری‌های اولیه ۱۴۰۰ طرح شایسته ارزیابی‌های دقیق‌تر شدند. پس از ارزیابی‌ها در مرحله دوم از میان ۱۴۰۰ طرح، ۸۸ طرح برای رونمایی انتخاب شدند.»معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بیان کرد: «بیشترین طرح‌های ارسال‌شده به این دوره از نمایشگاه مربوط به استان تهران با ۶۱۲ طرح و پس از آن استان مازندران با ۲۲۲ طرح و استان گیلان با ۲۱۴ طرح قرار دارند و استان‌های اصفهان، اردبیل، گلستان و خراسان‌رضوی در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.»به گفته وی، در این دوره از نمایشگاه هفته پژوهش ۶۹ دانشگاه، ۳۵ پارک علم و فناوری، ۱۸ پژوهشگاه، ۱۵ مرکز رشد و پنج موسسه تحقیقاتی وابسته به دستگاه‌های اجرایی حضور دارند و ۱۲۶ طرح از شرکت‌های خصوصی، ۱۲۸۷ طرح از دانشگاه‌ها، ۵۴۰ طرح از پارک‌های علم‌وفناوری، ۳۸۶ طرح از مراکز رشد و ۲۴۸ طرح از پژوهشگاه‌ها ارائه شده است.

وام ضروری خرید وسایل کمک‌آموزشی دانشجویان حذف نشده است

ناصر مطیعی در گفت‌وگو با مهر درباره حذف وام ضروری جهت خرید وسایل کمک‌آموزشی دانشجویان در مصوبات جدید صندوق رفاه دانشجویان گفت: «هیچ وامی همان‌طور که بارها گفته‌ایم حذف نشده است.»وی ادامه داد: «قبلا حدود بیست‌ویک و بیست‌ودوم نوع وام وجود داشت و هرکدام ضوابط خاص خود را داشتند و این باعث می‌شد منابع صندوق سرشکن شود. در بیست‌ویک و بیست‌ودوم سرفصل به‌دلیل محدودیت‌های قانونی که این وام‌ها داشتند، معاونان دانشجویی دانشگاه‌ها مانور کمی داشتند، وقتی منابع یک وام تمام می‌شد و مورد نیاز دانشجویان نیز بود، نمی‌توانستند وام‌های دیگر را با آن جابه‌جا کنند.»رئیس صندوق رفاه دانشجویان افزود: «برای همین وام‌ها را در ۵ عنوان دسته‌بندی کردیم و هرکدام از این ۲۲ وام ذیل یکی از این وام پنج وام قرار گرفته است.»وی ادامه داد: «قبلا دانشجو باید دو تا سه وام می‌گرفت تا یک مشکل خود را حل کند، الان یک وام می‌گیرد. به‌عنوان مثال یک وام تحصیلی که کف آن یک‌ونیم میلیون تومان و سقف آن دومیلیون تومان است.»رئیس صندوق رفاه دانشجویان افزود: «بنابراین نه‌تنها شرایط ارائه وام سخت‌تر نشده بلکه تسهیل نیز شده است؛ وام ضروری نیز حذف نشده و در جای خود قرار دارد و دانشجویان می‌توانند با این وام ملزومات آموزشی مورد نیاز خود را تهیه کنند.»

ثبت‌نام ۲۸۵ هزار نفر در کنکور ارشد ۱۴۰۰

فاطمه زرین‌آمیزی، سخنگوی سازمان سنجش آموزش کشور در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجو گفت: «پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی و دانشگاه آزاد اسلامی از طریق کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۰ صورت می‌پذیرد.»

وی افزود: «ثبت‌نام و شرکت در آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۴۰۰ و بیست‌وششمین المپیاد علمی-دانشجویی کشور از یکشنبه ۱۶ آذر ۹۹ آغاز شده و به‌منظور ارائه تسهیلات برای متقاضیانی که نسبت به ثبت‌نام اقدام نکرده بودند، مهلت ثبت‌نام تا ساعت ۲۴ روز ۲۶ آذر ۹۹ تمدید شده است.»

سخنگوی سازمان سنجش آموزش کشور اظهار کرد: «ثبت‌نام منحصرا به‌صورت اینترنتی و از طریق سایت اطلاع‌رسانی سازمان سنجش آموزش کشور به‌نشانی www.sanjesh.org انجام می‌شود.»

وی ادامه داد: «متقاضیان ثبت‌نام و شرکت در آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۴۰۰ و بیست‌وششمین المپیاد علمی-دانشجویی کشور می‌توانند با در نظر داشتن شرایط عمومی و اختصاصی مندرج در دفترچه راهنمای شرکت در آزمون که در سایت سازمان سنجش منتشر شده است، در آزمون ثبت‌نام کنند.»